

مشکلات زیادی به وجود آمد و حتی بعضی از قبایل کاملاً ضد مجاهدین رفتار کردند. رگ مهربانی و شرآنها کاملاً دست پاکستان بود.

جلال الدین حقانی و پاکستان چه نسبتی داشتند؟

در زمان جهاد علیه شوروی، روابط پاکستان را با مجاهدین نمی توان به روابط دوستانه یا متحد توصیف کرد. ارتباط پاکستان و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم امریکا با بعضی از گروه ها و همچنین ارتباط کشورهای عربی و اسلامی با مجاهدین افغان هرگز دوستانه نبود، بلکه تاکتیکی و موقت بود. کم و زیاد ورودی و خروجی آن بسته به شرایط منطقه

زیاد و کم می شد، اما دفع خطر ارتش سرخ برای پاکستان و امریکا مهم بود. خون و جان هیچ کدام از مردم و مجاهدین، برای آنها اهمیت نداشت. یکی از مهم ترین معضلات پاکستان و امریکا تمرکز شدید استخباراتی شوروی و نظامی در «خوست» بود. تنها کسی که به صورت جدی علیه اشغالگر جهاد می کرد، جلال الدین حقانی رحمه الله بود. وزیرستان شمالی و جنوبی برای حفظ مسیر امداد و ادامه جهاد علیه شوروی در «خوست»، عمق استراتژیک مهمی برای مرحوم حقانی و



جلال الدین حقانی

خارجی ها بود. پاکستان راه را برای داوطلبان عرب و غیره باز کرد. این سیاست بعد از این است که استخبارات شوروی توانست از خوست در پاکستان عملیات استخباراتی، تخریبی و ترور را از پیشاور تا کراچی انجام دهد.

البته نیاز است بگویم موفقیت استخبارات شوروی بدون کمک بی نظیر بوتو و گروه ذوالفقار تقریباً غیرممکن بود. در واقع در این مقطع زمانی، جنگ پنهان بین پاکستان و شوروی شروع شد. استخبارات شوروی می خواستند رژیم ضیاء الحق را سرنگون کنند. این جنگ بخصوص بعد از اینکه اختر عبدالرحمن ISI را بنیان گذاشت، شروع شد. اختر عبدالرحمن پشتون زبان است و بسیار شخصیت باهوش و خطرناکی حتی برای مجاهدین بود، اما در آن زمان ما متوجه خطرات اختر عبدالرحمن نبودیم.

ربانی، حکمتیار و سیاف کجا بودند؟

می توانم بگویم آنها بودند و نبودند. یعنی مشغول رقابت بین خودشان و دنبال فتنه، تفرقه و جنگ داخلی و قدرت بودند. حکمتیار یکی از غیرصادق ترین رهبران جهادی در تاریخ است و صاحب بیش از ۵۰ درصد کمک های مالی و تسلیحاتی بود. ۵۰ درصد الباقی بین سران دیگر تقسیم می شد و تقریباً چیزی دست ما نمی رسید. حتی یک راکت نه در انبار و نه در بازار پیدا نمی کردیم و دیگر گروه های مثلاً جهادی هیچ کمکی نمی کردند در صورتی که انبار آنها پر از راکت و اسلحه بود. در نهایت می توانم بگویم روابط پاکستان با مرحوم حقانی برای حفظ عمق استراتژیک در افغانستان و برای مرحوم حفظ مسیر امداد است. هیچ کس بدون تأمین مسیر امداد نمی تواند در جبهه بماند. بهترین مثال حزب الله لبنان